



مالکیت خانوادگی، حق الزحمه حسابرسی و انتخاب حسابرِس: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران

حمیدرضا وکیلی فرد^۱

رضیه علی خانی^۲

مهدی مران جوری^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین مالکیت خانوادگی با حق الزحمه حسابرسی و انتخاب حسابرِس می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش متشکل از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. براساس شرایط در نظر گرفته شده برای انتخاب نمونه، ۹۰ شرکت فعال در صنایع مختلف طی سال‌های ۱۳۹۰ لغایت ۱۳۹۴ مورد استفاده قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار اقتصادسنجی ایویوز و از مدل رگرسیون خطی چند متغیره برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. نتایج نشان داد بین مالکیت خانوادگی و انتخاب حسابرِس با کیفیت‌تر رابطه معنی‌دار منفی وجود دارد اما هیچگونه رابطه معنی‌داری بین مالکیت خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: مالکیت خانوادگی، حق الزحمه حسابرسی، انتخاب حسابرِس

JEL: M41, M42

^۱ دانشیار حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، علوم و تحقیقات، تهران، ایران. Vakilifard.phd@gmail.com

^۲ استادیار حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. (نویسنده مسئول) Alikhani_r2@yahoo.com

^۳ استادیار حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. Mr.maranjory@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۲۱

مقدمه

امروزه شرکت‌های خانوادگی بخش عمده‌ای از کل شرکت‌ها را تشکیل می‌دهند. طبق تحقیقات انجام شده، کسب و کارهایی که به نوعی مالکیت یا مدیریت خانوادگی دارند، حدود ۶۵ تا ۹۰ درصد از کل کسب و کارهای جهان را تشکیل می‌دهند. وجود این نوع شرکت‌های خانوادگی در ساختار مالکیت شرکت‌ها، باعث شده در طول سه دهه گذشته پژوهش درباره شرکت‌های خانوادگی تحول قابل توجهی داشته باشد. به دلیل وجود درصد قابل توجهی از شرکت‌های خانوادگی در بورس اوراق بهادار تهران، لازم است که جنبه‌های مختلف این شرکت‌ها مورد بررسی قرار گیرد. بررسی رفتار شرکت‌های خانوادگی می‌تواند اطلاعات ارزشمندی در اختیار استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی شرکت‌ها قرار دهد. از آنجا که ساختار مالکیتی شرکت‌های خانوادگی موجب تفاوت‌هایی با شرکت‌های غیرخانوادگی گردیده انجام پژوهش‌هایی در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد.

ساختار مالکیت به معنی روش توزیع سهام و حقوق مالکیت از جهت رأی و سرمایه، از عوامل اصلی و بسیار مهم حاکمیت شرکتی است و از مهم‌ترین مباحث ساختار مالکیت، مسأله نمایندگی است. ساختار مالکیت مطلوب می‌تواند باعث کاهش هزینه‌های نمایندگی در گزارشگری مالی شده و به نوبه خود بر حجم کار حسابرسی و ریسک آن و در نهایت، حق‌الزحمه حسابرسی تأثیرگذار باشد (میترا، حسین و دیز^۱، ۲۰۰۷). ساختار مالکیت شرکت‌ها می‌تواند بسیار متنوع باشد و طیف وسیعی از سهامداران حقیقی و حقوقی می‌توانند در این ساختار، ایفای نقش کنند. حضور سهامداران حقیقی از یک خانواده، با در اختیار داشتن درصد بالای سهام و یا حضور آن‌ها در هیأت‌مدیره به نوعی خانوادگی بودن مالکیت شرکت را نشان می‌دهد (اندرسون و رب^۲، ۲۰۰۳). در شرکت‌های خانوادگی ممکن است به دلیل ساختار مالکیت خاص این شرکت‌ها، حفظ منافع خانواده بر حفظ منافع سهامداران جزء ارجحیت یابد. در نتیجه به دلیل این که سهامداران جزء کمتر به اطلاعات مهم و اساسی شرکت دسترسی دارند، همواره این خطر احساس می‌شود که منافع این گروه به خصوص در بلندمدت، در معرض خطر قرار گیرد (عبدالمحمدی و کوال^۳، ۲۰۱۰). در شرکت‌های خانوادگی، معمولاً اعضای خانواده نه تنها مالک شرکت، بلکه مدیر نیز هستند. وجود مالکیت خانوادگی ریسک تضاد منافع را افزایش می‌دهد (بن علی و لسیج^۴، ۲۰۱۲). بنابراین این نگرانی وجود دارد که اعضای خانواده عضو

¹ Mitra, Hossain and Deis

² Anderson and Reeb

³ Abdolmohammadi and kvall

⁴ Ben Ali and Lesage

هیأت‌مدیره برای حداکثرسازی سود خود، برخلاف منافع سهامداران دیگر عمل کنند (جنسن و مک لینگ^۱، ۱۹۷۶). این تضاد منافع باعث افزایش هزینه‌های نظارت از جمله حق الزحمه حسابرسی خواهد شد. از طرف دیگر به دلیل سهامدار بودن اعضای خانواده در شرکت و نقش مدیریتی آن‌ها، همسویی منافع مدیران و سهامداران وجود خواهد داشت که باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و تضاد منافع بین مدیران و مالکان می‌شود که در نتیجه منجر به افزایش کیفیت سود، کاهش اقلام تعهدی غیرعادی، افزایش ارزش شرکت و به دنبال آن، کاهش ریسک و حق الزحمه حسابرسی خواهد شد (بن علی و لسبیج، ۲۰۱۲).

درخصوص مالکان خانوادگی و ارتباط آن با حق الزحمه حسابرسی، دو نوع فرضیه رقیب مطرح است. براساس فرضیه نظارت فعال این دسته از مالکان به کیفیت اطلاعات اهمیت داده و با توجه به ویژگی‌های ذاتی و نفوذ خاص بر مدیریت، آن‌ها را به استفاده از خدمات حسابرسی با کیفیت ترغیب می‌نماید که در نهایت منجر به افزایش حق الزحمه حسابرسی می‌شوند (میترا، حسین و دیز، ۲۰۰۷). در مقابل، فرضیه منافع شخصی قرار دارد. در این فرضیه بیان می‌شود که به دلیل نظارت فعال، کمتر احتمال دارند مالکان خانوادگی متقاضی خدمات حسابرسی با کیفیت‌تر باشند. لذا حاضر به پرداخت حق الزحمه حسابرسی کمتر برای انتخاب حسابرسان با کیفیت بالاتر هستند (خان، بادرولی متاکین، سیددیکوی^۲، ۲۰۱۵). به عبارت دیگر، در فرضیه منافع شخصی به دلیل نظارت فعال مالکان خانوادگی بر عملیات شرکت، هزینه‌های نمایندگی و ریسک کنترل در گزارشگری مالی و در نتیجه حق الزحمه حسابرسی کاهش می‌یابد. نتایج تحقیق هو و کانگ^۳ (۲۰۱۳)؛ نiskanen، کارجالین، نiskanen^۴ (۲۰۱۰) و وانگ^۵ (۲۰۰۶) نیز تأییدکننده این مطلب است.

سهامداران کنترل‌کننده امور در راستای پایین نگاه داشتن سطح نظارت‌ها و پنهان ساختن دست‌اندازی‌های خویش شاید ترجیح دهند که گزارش‌های مالی توسط حسابرس دارای کیفیت کاری پایین‌تر مورد حسابرسی قرار گیرند (لین و لیو، ۲۰۰۹). از سوی دیگر، سهامدار کنترل‌کننده امور شاید از سازوکارهای نظارتی بیرونی بهره گرفته و بدین ترتیب توانایی خویش در زمینه اختلاس منابع را کاهش دهد. وی شاید معتقد باشد که شرکت باید در ارتباط با فرآیند حاکمیت جمعی و گزارش‌دهی مالی خویش به سهامداران اقلیت

¹ Jensen and Meckling

² Khan, Badrul Muttakin and Siddiqui

³ Ho and Kang

⁴ Niskanen, Karjalainen and Niskanen

⁵ Wang

و سرمایه‌گذاران احتمالی اطمینان خاطر دهد تا آن‌ها بدین ترتیب اطمینان حاصل کنند که از منافع آن‌ها به‌خوبی مراقبت می‌شود (رید و همکاران، ۲۰۰۴). این دغدغه و نگرانی می‌تواند به انتخاب حسابرس دارای کیفیت کاری بالا برای بررسی گزارش‌های مالی شرکت منجر شود. نتایج تحقیق درآمادی^۱ (۲۰۱۶)؛ خان، بادرولی متاکین، سیددیکوی (۲۰۱۵) و بن علی و لیسج (۲۰۱۲) تأییدکننده این مطلب است. از سوی دیگر، نتایج برخی مطالعات درباره رابطه بین مالکیت خانوادگی و انتخاب حسابرس نشان می‌دهد که شرکت‌های با کنترل خانوادگی، احتمال کمتری دارد که حسابرسان دارای کیفیت کاری بالا انتخاب کنند. از این‌رو در این پژوهش، مسأله این است که چه رابطه‌ای بین مالکیت خانوادگی با حق‌الزحمه حسابرسی و انتخاب حسابرس وجود دارد.

نتایج این پژوهش می‌تواند اولاً موجب گسترش مبانی نظری پژوهش‌های گذشته در ارتباط با حق‌الزحمه حسابرسی و انتخاب حسابرس بخصوص در شرکت‌ها با مالکیت خانوادگی در کشورهای در حال توسعه شود، ثانیاً نتایج پژوهش می‌تواند ایده‌های جدیدی برای انجام پژوهش‌های جدید در حوزه مالکیت خانوادگی پیشنهاد نماید، ثالثاً سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر گروه‌های ذینفع را در جریان میزان حق‌الزحمه حسابرسی و همچنین نوع انتخاب حسابرس در شرکت‌هایی با مالکیت خانوادگی قرار می‌دهد.

پیشینه پژوهش

درآمادی (۲۰۱۶) در تحقیقی به بررسی تمرکز مالکیت و کنترل خانوادگی با انتخاب حسابرس پرداخت. نتایج نشان داد که شرکت‌ها با تمرکز مالکیت بالا به احتمال بیشتری مؤسسه حسابرسی با کیفیت بالاتر را انتخاب می‌کنند. همچنین نتایج نشان داد زمانی که کنترل سهامداران خانوادگی باشد، رابطه بین تمرکز مالکیت و تقاضا برای مؤسسه‌های حسابرسی با کیفیت بالا منفی است. خان، بادرولی متاکین، سیددیکوی (۲۰۱۵) در تحقیقی به بررسی ارتباط بین حق‌الزحمه حسابرسی، انتخاب حسابرس و نفوذ افراد ذینفع پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که شرکت‌های خانوادگی مورد نظر و نمونه پژوهشی آن‌ها در مقایسه با شرکت‌های غیرخانوادگی به‌طور چشمگیری حق‌الزحمه‌های حسابرسی کمتری پرداخت نموده و از حسابرس‌های با کیفیت پایین‌تر بهره می‌گیرند. همچنین در شرکت‌هایی با رویکرد صادراتی، شرکت‌های خانوادگی دستمزد حسابرسی بیشتری پرداخت می‌کنند و از حسابرس‌های با کیفیت‌تری در مقایسه با شرکت‌های غیرخانوادگی بهره می‌گیرند.

¹ Darmadi

هو و کانگ (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی انتخاب حسابرسان در شرکت‌های خانوادگی با استفاده از ۱۵۰۰ شرکت اس‌اند‌پی^۱ در آمریکا پرداختند. آن‌ها یافتند که شرکت‌های خانوادگی در آمریکا تمایل دارند حسابرسان با کیفیت پایین‌تر استخدام کنند تا متحمل حق الزحمه حسابرسی کمتری شوند.

آستھانا و بوون^۲ (۲۰۱۲) به بررسی رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و کیفیت حسابرسی پرداختند. این پژوهش در دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ در ایالات متحده انجام شده است. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد هنگامی که حق الزحمه غیرعادی منفی حسابرسی افزایش می‌یابد، کیفیت حسابرسی کاهش می‌یابد. همچنین نتایج نشان داد تصویب قانون ساربینز-اکسلی موجب تقویت حسابرسی شده است.

کانگ^۳ (۲۰۱۲) در کار پژوهشی خود نشان داد که چگونه و چطور ساختار مالکیت شرکت‌های خانوادگی و مسائل نمایندگی، بر انتخاب حسابرسان متخصص صنعت و سطح حق الزحمه حسابرسی اثر می‌گذارد. نتایج نشان داد که شرکت‌های خانوادگی به احتمال بیشتری حسابرسان متخصص را انتخاب می‌کنند و متحمل سطح پایین‌تری از هزینه حسابرسی نسبت به شرکت‌های غیرخانوادگی می‌شوند.

جول و خان^۴ (۲۰۱۱) حق الزحمه حسابرسی را در ۵۰۰ شرکت استرالیایی بررسی کردند. نمونه آن‌ها شامل شرکت‌هایی با کنترل خانوادگی و خارجی بود. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که شرکت‌های خانوادگی حق الزحمه حسابرسی پایین‌تری نسبت به شرکت‌های غیرخانوادگی می‌پردازند. همچنین نتایج آن‌ها آشکار کرد که هر دوی شرکت‌ها با مالکیت خانوادگی و خارجی، حق الزحمه حسابرسی بالاتری به مؤسسات بزرگ حسابرسی می‌پردازند.

نیسکانن، کارجالین و نیسکانن (۲۰۱۰) در پژوهشی یافتند که افزایش در مالکیت خانوادگی احتمال استفاده از حسابرسان با کیفیت را کاهش می‌دهد. آن‌ها نتایج خود را این‌گونه استدلال می‌کنند که عدم تقارن اطلاعاتی بین مالکان و مدیران در شرکت‌های خانوادگی کمتر است.

میترا، حسین، دیز (۲۰۰۷) رابطه بین ویژگی‌های مالکیت و حق الزحمه حسابرسی را بررسی کردند. براساس نظریه تقاضا آن‌ها یافتند وقتی که منافع مالکیت بالا است، مدیران خدمات حسابرسی با کیفیت بهتری برای علامت دادن به بازار استفاده می‌کنند. همچنین رابطه مثبت بین مالکیت نهادی سهام منتشر شده (داشتن کمتر از ۵ درصد سهام فردی) و حق الزحمه حسابرسی و رابطه منفی بین

¹ S&P

² Asthana and Boone

³ Kang

⁴ Johl and Khan

مالکیت نهادی عمده (داشتن ۵ درصد یا بیشتر سهام فردی) و حق الزحمه حسابرسی وجود دارد. به علاوه نشان دادند که بین مالکیت سهام مدیریتی با حق الزحمه حسابرسی، رابطه منفی وجود دارد.

فرضیه‌های پژوهش

کسب و کارهای خانوادگی قدیمی‌ترین نوع سازمان‌های تجاری هستند. در بیشتر کشورها کسب و کارهای خانوادگی بیش از ۷۰ درصد کل تجارت را به خود اختصاص داده‌اند و نقش کلیدی در رشد و اشتغال‌زایی ایفا می‌کنند. تفاوت فاحشی میان شرکت‌های خانوادگی و سایر شرکت‌ها وجود دارد. شرکت‌های خانوادگی سعی می‌کنند شرکت را از یک نسل به نسل بعدی منتقل نمایند. در نتیجه این شرکت‌ها با ریسک‌ها و چالش‌های تجاری متفاوتی نسبت به سایر شرکت‌ها مواجه می‌شوند. یک کسب و کار خانوادگی، خانواده، کسب و کار و مالکیت را با یکدیگر ترکیب می‌کند؛ اگر چه فرض می‌شود این حوزه‌ها مستقل از یکدیگرند ولی در شرکت‌های خانوادگی این سه حوزه به شدت به هم وابسته‌اند. شرکت‌های خانوادگی عبارتند از شرکت‌های که خانواده و یا مؤسس، مالک حداقل ۵ درصد شرکت باشد، با این حال برخی دیگر انتقال شرکت به نسل‌های بعد را از مؤلفه‌های اصلی شرکت‌های خانوادگی می‌دانند. در اغلب تحقیقات شرکت‌های خانوادگی شرکت‌هایی هستند که توسط اعضای یک یا چند خانواده کنترل و مدیریت می‌شوند که گاهی به نسل‌های بعدی نیز منتقل می‌شدند.

منشأ اصلی تفاوت در حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی، تفاوت هزینه‌های نمایندگی در این شرکت‌ها می‌باشد که به دلیل وجود سهامداران خانوادگی است. براساس تئوری نمایندگی، شرکت‌های خانوادگی برای حداکثر کردن منافع شخصی انگیزه دارند و همچنین تمایل دارند در فرآیند گزارشگری مالی تأثیرگذار باشند، نتیجه این انگیزه به احتمال زیاد منجر به افزایش هزینه‌های نمایندگی می‌شود (لیو و سوبرامانیام^۱، ۲۰۱۰).

وجود تضاد منافع باعث افزایش هزینه‌های نظارت از جمله هزینه‌های حسابرسی می‌شود. برای انجام خدمات حسابرسی باید مبلغی به عنوان حق الزحمه به مؤسسه حسابرسی پرداخت شود. این مبلغ توسط حسابرس با توجه به ارزیابی وی از حجم و ریسک کار حسابرسی تعیین می‌گردد. افزایش هزینه‌های نمایندگی مستلزم ارزیابی ریسک و تلاش‌های حسابرسی بالا و در نتیجه حق الزحمه حسابرسی بالاتر می‌شود. در مقابل، همسویی منافع میان مالکان خانوادگی و سهامداران موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود. به عبارتی مالکیت خانوادگی می‌تواند به بهبود نظارت داخلی و کاهش تضاد منافع

¹ Liu and Subramaniam

بین مدیر و مالک کمک کند و بنابراین منجر به ارزیابی ریسک کمتر حسابرسی و در نتیجه کاهش حق الزحمه حسابرسی شود (لیو و سوبرامانیام^۱، ۲۰۱۰). براساس مطالب ذکر شده، فرضیه اول تحقیق به شرح زیر بیان می‌شود.

فرضیه اول: بین مالکیت خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی، رابطه معنی‌داری وجود دارد.

انتخاب حسابرسان جدید، پدیده‌ای است که بعد از تغییر حسابرسان رخ می‌دهد. مطالعات مربوط به انتخاب حسابرسان، به دنبال پاسخ این سؤال هستند که چرا صاحبکار از میان مؤسسات مختلف حسابرسی، یک مؤسسه خاص حسابرسی را به عنوان حسابرسان خود، انتخاب نموده است (آبدین، ۲۰۰۶). آیا کنترل خانوادگی بر سازوکارهای حاکمیت جمعی و به‌ویژه احتمال انتخاب حسابرسان بیرونی تأثیر می‌گذارد یا نه.

کنترل خانوادگی ممکن است نقش مهمی در افزایش یا کاهش مشکلات سازمانی میان خانواده کنترل‌کننده امور و دیگر سهامداران ایفا کند. پژوهشگران اعتقاد دارند شرکت‌های با کنترل خانوادگی در برابر مشکلات سازمانی آسیب‌پذیرتر هستند. از یکسو، خانواده کنترل‌کننده شرکت از آنجا که بر شرکت کاملاً کنترل دارد و اعضای خانواده را در رأس هیأت‌مدیره یا تیم مدیریتی قرار می‌دهد از فرصت‌های بیشتری برای بهره‌مندی از منافع شخصی و کاهش شفافیت جمعی برخوردار است. با توجه به چنین شرایطی، شرکت‌های با کنترل خانوادگی شاید تمایلی نداشته باشند که نظارت بیرونی بر شرکت اعمال کنند و در نتیجه احتمال بیشتری دارد که در راستای حفظ منافع شخصی خویش حسابرسان دارای کیفیت کاری پایین را به کار گیرند (نیسکانن، کارجالین و نیسکانن، ۲۰۱۰).

از سوی دیگر، شرکت‌های خانوادگی نگرانی نسبتاً بیشتری درباره بقا، آبرو و اعتبار خویش در بلندمدت دارند و در نتیجه در راستای حفظ اعتماد سرمایه‌گذاران اقدام به ارائه اطلاعات مالی باکیفیت می‌کنند (دی و همکاران، ۲۰۱۱). این امر شاید منجر به انتخاب حسابرسان دارای کیفیت کاری بالا شود. الگول و همکاران (۲۰۰۷) همچنین گفته‌اند که شرکت‌های با کنترل خانوادگی شاید شرکت‌های حسابرسی کوچک‌تر را به کار گیرند، زیرا سرمایه‌گذاران به این نتیجه رسیده‌اند که این شرکت‌ها انگیزه‌ای ندارند که بخواهند رفتارهای سودجویانه از خود نشان دهند. بنابراین فرضیه دوم تحقیق به شرح زیر بیان می‌شود.

فرضیه دوم: بین مالکیت خانوادگی و انتخاب حسابرسان با کیفیت‌تر رابطه معنی‌داری وجود دارد.

¹ Liu and Subramaniam

روش‌شناسی پژوهش

روش این تحقیق، از نوع تحقیقات تجربی است که با توجه به عدم امکان کنترل کلیه متغیرهای نامربوط نمی‌تواند از نوع تحقیقات تجربی محض باشد. با توجه به تجزیه و تحلیل اطلاعات گذشته نیز از نوع پس رویدادی و از نظر نوع هدف، کاربردی است، زیرا نتایج حاصل از این تحقیق می‌تواند مورد استفاده کلیه ذینفعان قرار گیرد.

جامعه آماری این پژوهش صرفاً متشکل از کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ است. نمونه آماری با روش حذف سیستماتیک از بین شرکت‌هایی انتخاب خواهند شد که دارای شرایط زیر باشند.

- ۱- پایان دوره مالی شرکت‌ها به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
 - ۲- به دلیل ماهیت خاص فعالیت، جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی و سرمایه‌گذاری نباشد.
 - ۳- طی دوره زمانی مذکور تغییر سال مالی نداشته باشد.
 - ۴- اطلاعات مالی مورد نیاز، از جمله یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی، در دسترس باشد.
- بر این اساس، پس از اعمال محدودیت‌های پیشگفته تعداد ۹۰ شرکت شرایط فوق را دارا بوده و به عنوان نمونه تحقیق حاضر انتخاب شدند. لازم به ذکر است، دلیل اصلی استفاده از شرایط ۱ تا ۳ برای انتخاب نمونه، وجود متغیرهای کنترلی در مدل‌های آماری پژوهش حاضر است. به طور مثال ماهیت متغیر سودآوری (متغیر کنترلی) در بانک‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری با سایر شرکت‌ها متفاوت است.

در این پژوهش، برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، از روش کتابخانه‌ای استفاده می‌شود. مبانی نظری پژوهش از کتب و مجلات تخصصی فارسی و لاتین و داده‌های مورد نیاز از طریق مراجعه به صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی درج شده در سایت سازمان بورس اوراق بهادار تهران (مدیریت پژوهش و توسعه مطالعات اسلامی) و همچنین با استفاده از نرم‌افزارهای ره‌آورد نوین و تدبیرپرداز گردآوری شده است. تجزیه و تحلیل داده و آزمون فرضیه‌ها با استفاده از نرم‌افزار ایویوز نسخه ۸ صورت گرفته است.

مدل آزمون فرضیه‌ها و تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

فرضیه اول بیان می‌کند: بین مالکیت خانوادگی و حق‌الزحمه حسابرسی، رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از مدل زیر استفاده می‌گردد.

مدل (۱)

$$\text{Audit fee}_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{FamilyOwn}_{it} + \alpha_2 \text{Insown}_{it} + \alpha_3 \text{Govown}_{it} + \alpha_4 \text{BoardInd}_{i,t} + \alpha_5 \text{Auditcomplex}_{i,t} + \alpha_6 \text{NonAuditFee}_{i,t} + \alpha_7 \text{Size}_{i,t} + \alpha_8 \text{Lev}_{i,t} + \alpha_9 \text{ROA}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

متغیر وابسته

متغیر وابسته در این مدل حق الزحمه حسابرسی است که از لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی به دست می‌آید. این متغیر در بخش هزینه‌های عملیاتی شرکت‌های نمونه از یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی استخراج شده است.

متغیر مستقل

متغیر مستقل مالکیت خانوادگی است. برای مالکیت خانوادگی تعاریفی از سوی پژوهشگران صورت گرفته است. اندرسون و ریب (۲۰۰۳) میزان تملک هجده درصد از سهام عادی توسط خانواده را شرط تعریف شرکت‌های خانوادگی عنوان نموده‌اند. وانگ (۲۰۰۶) نیز معتقد است شرکت خانوادگی، شرکتی است که میزان زیادی از سهام آنان در دست اعضای خانواده باشد و این افراد به‌طور فعالی، در مدیریت و هیأت‌مدیره شرکت، مشارکت داشته باشند. در سال ۲۰۱۰ مرکز تحلیلگران و انتشاردهندگان داده‌های بورس آلمان شاخص خانوادگی دکس پلاس را برای تعریف شرکت‌های خانوادگی ارایه نمود که طبق آن شرکتی به‌عنوان خانوادگی معرفی می‌شود که یکی از دو شرط زیر را دارا باشد: الف- خانواده مؤسس، حداقل ۲۵ درصد از سهام عادی را در اختیار داشته باشد.

و یا

ب- یکی از اعضای خانواده در هیأت‌مدیره عضویت داشته و حداقل ۵ درصد از سهام عادی را در اختیار داشته باشد.

در ایران، کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، در بند ۸ استاندارد حسابداری شماره ۲۰ عنوان می‌کند، در صورتی که سهامداران حداقل ۲۰ درصد از قدرت رأی در واحد سرمایه‌پذیر را داشته باشد، در این صورت بر شرکت نفوذ قابل ملاحظه دارند. همچنین طبق ماده ۱۰۷ قانون تجارت، کلیه شرکت‌های سهامی عام ملزم به تشکیل هیأت‌مدیره‌ای از صاحبان سهام می‌باشند که باید تعداد این هیأت حداقل ۵ نفر باشد، لذا منطقاً می‌توان استنباط نمود، چنانچه سهامداری مالک ۲۰ درصد سهام شرکت باشد به‌عنوان یکی از اعضای هیأت‌مدیره مطرح و از این طریق می‌تواند بر عملیات شرکت

اعمال نفوذ نماید. بر این اساس، در تحقیق حاضر، براساس تحقیق خان، بادرولی متاکین، سیددیکوی (۲۰۱۵) معیار زیر برای اندازه‌گیری مالکیت خانوادگی استفاده می‌گردد.

Familyown = (درصد مالکیت خانوادگی) شرکت‌هایی که حداقل ۲۰ درصد سهام دارای حق رأی آن‌ها مستقیم یا غیرمستقیم توسط یک خانواده، نگهداری شود. چنانچه شرکت این شرط را داشته باشد به آن متغیر مجازی یک، در غیر این صورت صفر داده می‌شود.

متغیرهای کنترلی

در پژوهش حاضر، براساس پژوهش‌های هو و کانگ (۲۰۱۳)؛ نیسکانن، کارجالین، نیسکانن (۲۰۱۰)؛ رحمان خان، حسین، سیددیکوی^۱ (۲۰۱۱)؛ لیو و سویرامانیان (۲۰۱۰) و چی و هوانگ (۲۰۰۵) متغیرهای زیر به‌عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شده است.

INS OWN = (مالکیت نهادی) از مجموع سهام در اختیار سهامداران نهادی تقسیم بر کل سهام منشر شده شرکت به‌دست می‌آید.

GOV OWN = (مالکیت دولتی) از مجموع سهام در اختیار سهامداران دولتی تقسیم بر کل سهام منتشر شده شرکت به‌دست می‌آید. لازم به‌ذکر است برای رفع این ابهام که ممکن است مالکیت نهادی با مالکیت دولتی همپوشانی داشته باشند، آزمون همخطی (از فروض رگرسیون) صورت گرفت که نتایج نشان داد خود همبستگی شدید بین دو متغیر مالکیت نهادی و مالکیت دولتی وجود ندارد، لذا می‌توان به نتایج مدل رگرسیون اعتماد کرد.

BORD IND = (اعضای غیرموظف) از نسبت اعضای غیرموظف به کل اعضای هیأت‌مدیره به‌دست می‌آید.

NON AUDIT FEE = (حق‌الزحمه خدمات غیرحسابرسی) از لگاریتم طبیعی حق‌الزحمه پرداختی به حساب‌رسان بابت فعالیت‌های غیرحسابرسی بدست می‌آید.

AUDIT COMPLEX = (پیچیدگی حسابرسی) این متغیر برای پیچیدگی فرایند حسابرسی محاسبه می‌شود. حساب‌های دریافتنی و موجودی موارد و کالا در ارتباط با ریسک حسابرسی هستند و حساب‌رس برای ارزیابی ریسک حسابرسی نیازمند ارزیابی این اقلام است. بررسی این اقلام، ریسک مواردی را نمایان می‌کند که پیچیده هستند و نیاز بیشتر به بررسی دارند. علاوه بر این، ارزیابی این اقلام نیز وظیفه‌ای بسیار پیچیده است که نیازمند پیش‌بینی رویدادهای آتی است. در صورت پیچیدگی

¹ Rahman Khan, Hossain and Siddiqui

بیشتر، حجم کار حسابرسی و حق الزحمه آن افزایش می‌یابد (ملکیان و نیکروان فرد، ۱۳۹۴). این متغیر از مجموع حساب‌های دریافتنی و موجودی مواد و کالا بر کل دارایی‌های پایان دوره به‌دست می‌آید. $SIZE =$ (اندازه شرکت) از آنجایی که حق الزحمه حسابرسی، تابع میزان زمان صرف شده برای انجام حسابرسی است، در شرکت‌های بزرگ با وجود کنترل داخلی قوی، حساب‌رسان به‌دلیل حجم معاملات و دارایی‌های زیاد این شرکت‌ها و پیچیدگی عملیات حسابرسی مورد نیاز خود، زمان بیشتری صرف عملیات حسابرسی کرده و در نتیجه حق الزحمه بالاتری طلب می‌کنند. اما شرکت‌های کوچک به‌دلیل سادگی کارشان، دستمزد حسابرسی کمتری پرداخت می‌کنند. بنابراین انتظار می‌رود که حق الزحمه حسابرسی با اندازه شرکت در ارتباط باشد (ملکیان و نیکروان فرد، ۱۳۹۴). این متغیر از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های پایان دوره شرکت به‌دست می‌آید.

$LEV =$ (اهرم شرکت) شرکت‌های با اهرم مالی بالا، احتمال ورشکستگی بالایی دارند که وظیفه حسابرس در این مورد، افشای اطلاعات هزینه‌های حقوقی بالقوه و از این قبیل است، پس انتظار می‌رود که اهرم مالی بیشتر، رابطه مثبتی با حق الزحمه حسابرسی داشته باشد. این متغیر از تقسیم کل بدهی‌ها به کل دارایی‌های شرکت به‌دست می‌آید.

$ROA =$ (بازده دارایی‌ها) سودآوری شرکت اغلب به‌عنوان معیاری برای ریسک حسابرسی مطرح می‌شود، زیرا این امر در اظهارنظر حسابرس در مورد تداوم فعالیت بخش‌هایی از شرکت بازتاب پیدا می‌کند که با زیان مواجه بوده‌اند. لذا انتظار می‌رود بین نرخ بازده دارایی (شاخصی برای سودآوری) و حق الزحمه حسابرسی رابطه وجود داشته باشد (ملکیان و نیکروان فرد، ۱۳۹۴). این متغیر از تقسیم سود خالص به کل دارایی‌های شرکت به‌دست می‌آید.

فرضیه دوم بیان می‌کند: بین مالکیت خانوادگی و انتخاب حسابرس با کیفیت‌تر رابطه معنی‌داری وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از مدل زیر استفاده می‌گردد.

مدل (۲)

$$\text{Auditor Choice}_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{FamilyOwn}_{it} + \alpha_2 \text{Insown}_{it} + \alpha_3 \text{Govown}_{it} + \alpha_4 \text{Auditcomplex}_{it} + \alpha_5 \text{Size}_{it} + \alpha_6 \text{Lev}_{it} + \alpha_7 \text{ROA}_{it} + \varepsilon_{it}$$

در این مدل متغیر وابسته انتخاب حسابرس است. براساس تحقیق خان، بادرولی متاکین، سیددیگوی (۲۰۱۵) از حسابرس متخصص صنعت به‌عنوان معیار حسابرس با کیفیت‌تر استفاده می‌شود. این متغیر دامی است و اگر حسابرس، متخصص صنعت باشد برابر یک و در غیر این صورت برابر با صفر است.

در این تحقیق، از سهم بازار به عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری تخصص حسابرس در صنعت بهره گرفته می‌شود، زیرا اولویت صنعت را نسبت به سایر حسابرسان نشان می‌دهد. هر چه سهم بازار حسابرس بیشتر باشد، تخصص صنعت و تجربه حسابرس نسبت به سایر رقبا بالاتر است. داشتن سهم بالای بازار (سهم غالب بازار) به این نکته اشاره دارد که حسابرس به طور موفقیت‌آمیزی خود را از سایر رقبا از لحاظ کیفیت حسابرسی متمایز می‌کند. به عبارت دیگر، مؤسسه‌ای که سهم بزرگتری از بازار را در اختیار دارد، از دانش تخصصی بالاتری در آن صنعت خاص برخوردار می‌باشد (آقایی و ناظمی اردکانی، ۱۳۹۱). میهو و ویلکینز^۱ (۲۰۰۳) بیان می‌کنند حسابرس، زمانی متخصص است که بزرگترین سهم بازار را داشته باشد و یا سهم بازار آن‌ها حداقل ۱۰ درصد بالاتر از سهم بزرگترین حسابرس دوم باشد. نیلی و رایلی^۲ (۲۰۰۱) بیان می‌کنند مؤسسات حسابرسی متخصص محسوب می‌شود که سهم بازار آن‌ها معادل ۲۴ درصد کل بازار یا بیشتر باشد. سهم بازار حسابرسان نیز به صورت زیر محاسبه می‌شود:

مجموع دارایی‌های تمام صاحبکاران یک مؤسسه حسابرسی خاص در یک صنعت خاص تقسیم بر مجموع دارایی‌های صاحبکاران در این صنعت. مؤسساتی در این تحقیق به عنوان متخصص صنعت در نظر گرفته می‌شوند که سهم بازارشان (یعنی معادله فوق) بیش از $[(1/2) \times \text{شرکت‌های موجود در یک صنعت}]$ باشد (آقایی و ناظمی اردکانی، ۱۳۹۱).

با توجه به این که متغیر مستقل و متغیرهای کنترلی مدل دوم مشابه مدل اول است، از توضیح مجدد آن اجتناب شده است. در مدل دوم پژوهش حاضر، دو متغیر کنترلی حق الزحمه خدمات غیرحسابرسی و اعضای غیرموظف حذف شدند. دلیل این بود که مبانی نظری در مورد این که این دو متغیر می‌توانند سهمی در تغییرات متغیر وابسته (انتخاب حسابرس) داشته باشند، مشاهده نشد.

آمار توصیفی

نگاره شماره (۱)، آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مدل‌های تحقیق را نشان می‌دهد که بیانگر متغیرهای توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزا می‌باشد. این متغیرها عمدتاً شامل اطلاعات مربوط به شاخص‌های مرکزی، نظیر میانگین و میانه و همچنین اطلاعات مربوط به شاخص‌های پراکندگی نظیر انحراف معیار، چولگی و کشیدگی است.

¹ Mayhew and Wilkins

² Neal and Riley

نگاره شماره ۱: آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر/آماره	میانگین	میانه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	حداکثر	حداقل
حق الزحمه حسابرسی	۶/۵۳	۶/۴۷	۰/۹۱	۰/۴۳	۳/۸۲	۹/۱۷	۳/۱۲۵
مالکیت خانوادگی	۰/۰۵۴	۰	۰/۱۴	۲/۶۴	۸/۸۲	۱	۰
مالکیت نهادی	۰/۷۲	۰/۷۵	۰/۱۷	-۱/۱۲	۴/۴۱۲	۰/۹۶۱	۰/۰۰۱
مالکیت دولتی	۰/۰۳۶	۰	۰/۱	۳/۶۱	۱۶/۸۲	۰/۷۲۱	۰/۰۰۰
اعضای غیرموظف	۰/۵۸	۰/۶	۰/۱۸	-۰/۳۱	۳/۰۶	۱	۰
پیچیدگی حسابرسی	۰/۴۴	۰/۴۴	۰/۱۹	-۰/۰۷	۲/۲۴	۰/۵۹۱	۰/۱۲۱
خدمات غیرحسابرسی	۰/۴۳	۰	۰/۴۹	۰/۲۵	۱/۰۶	۰/۶۹۱	۰/۰۰۱
اندازه شرکت	۱۳/۹۴	۱۳/۸۱	۱/۵	۰/۴۳	۳/۳۹	۱۷/۹۰۵	۹/۰۴۱
اهرم مالی	۰/۶۲	۰/۶۲۵	۰/۲۲۷	۱/۰۱	۸/۵۳	۰/۸۲۱	۰/۰۶۷
سودآوری	۰/۹	۰/۷۹	۰/۴۹	۱/۷	۷/۲۴	۰/۹۳۳	۰/۰۰۷
انتخاب حسابرسان با کیفیت	۰/۳۹	۰	۰/۴۸	۰/۴۳	۱/۱۹	۱	۰

نتایج آزمون فرضیه اول تحقیق

به منظور آزمون فرضیه اول تحقیق، مدل اصلی تحقیق برآورد می گردد. قبل از برازش مدل، فروض کلاسیک رگرسیون مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش به منظور برآورد ناهمسانی واریانس از آزمون وایت و برای بررسی نرمال بودن متغیر وابسته و نرمال بودن توزیع خطاها از آماره جاکوبرا استفاده شده است.

نگاره شماره ۲: نتایج فروض کلاسیک

نام آزمون		
نرمال بودن توزیع خطاها	آماره جاکوبرا	۱.۷۰۱
	سطح معناداری	۰.۰۹۶
	نتیجه	توزیع نرمال است
واریانس ناهمسانی	آماره وایت	۱.۳۶۱
	سطح معناداری	۰.۱۶۳
	نتیجه	عدم وجود ناهمسانی
نرمال بودن متغیر وابسته	آماره جاکوبرا	۱.۱۱۶
	سطح معناداری	۰.۱۹۶۳
	نتیجه	توزیع نرمال است

با توجه به نگاره پیشگفته، از آنجایی که سطح معناداری آماره جاکوبرا بیشتر از ۰.۰۵ است فرضیه صفر تأیید شده، لذا با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت توزیع خطاها در مدل رگرسیونی و متغیر وابسته از توزیع نرمال برخوردار است. همچنین نتایج حاصل از آزمون وایت نشان‌دهنده این است که آماره اف مدل رگرسیونی پژوهش در سطح خطای ۰.۰۵ معنادار نیستند، در نتیجه فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود ناهمسانی واریانس در بین داده‌های مدل در سطح خطای ۰.۰۵ تأیید می‌شود و به همین دلیل می‌توان از مدل رگرسیونی حداقل مربعات معمولی استفاده نمود.

سپس به منظور انتخاب بین روش‌های داده‌های تابلویی و داده‌های تلفیقی از آزمون اف لیمر استفاده می‌شود. اگر سطح معنی‌داری محاسبه شده بیشتر از سطح خطای ۵ درصد باشد از داده‌های تلفیقی و در غیر این صورت از داده‌های تابلویی استفاده خواهد شد که نتایج به شرح زیر است:

نگاره شماره ۳: آزمون اف لیمر (چاو) مدل تحقیق

مدل اصلی	آماره	مقدار	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
مدل ۱	اف لیمر	۴۷/۴۱	۰/۰۰۰	داده‌های پانلی

با توجه به این که سطح معنی‌داری به دست آمده از آزمون اف لیمر در مدل پژوهش کوچکتر از ۵ درصد است، به منظور برآورد این مدل از مدل داده‌های پانلی استفاده خواهد شد.

نگاره شماره ۴: آزمون هاسمن مدل تحقیق

مدل	آماره	مقدار	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
مدل ۱	Cross-section Random	۲۹/۹۱	۰/۰۰۴	اثرات ثابت (FE)

با توجه به این که سطح معنی‌داری به دست آمده از آزمون هاسمن کوچکتر از ۵ درصد است، الگوی مناسب برای برآورد این مدل، الگوی مبتنی بر اثرات ثابت می‌باشد.

نگاره شماره (۵) نتایج برازش مدل اول تحقیق برای تجزیه و تحلیل فرضیه اول را نشان می‌دهد.

نگاره شماره ۵: نتایج آزمون فرضیه اول

$\text{Audit fee}_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{FamilyOwn}_{it} + \alpha_2 \text{Insown}_{it} + \alpha_3 \text{Govown}_{it} + \alpha_4 \text{BoardInd}_{it} + \alpha_5 \text{Auditcomplex}_{it} + \alpha_6 \text{NonAuditFee}_{it} + \alpha_7 \text{Size}_{it} + \alpha_8 \text{Lev}_{it} + \alpha_9 \text{ROA}_{it} + \varepsilon_{it}$				
متغیر	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنی داری
عرض از مبدأ	-۰/۰۹۰۲	۰/۰۰۴۲	-۲۱/۴۷	۰/۰۰۰
مالکیت خانوادگی	-۰/۰۸۱	۰/۰۷۵۱	-۱/۰۷	۰/۲۴۱
مالکیت نهادی	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۷۹	-۰/۲۵	۰/۸۲
مالکیت دولتی	-۰/۰۳۱	۰/۰۳۲	-۰/۹۶	۰/۳۹
اعضای غیرموظف	۰/۰۲۹۱	۰/۰۰۶۱	۴/۷۷	۰/۰۰۵
پیچیدگی حسابرسی	۰/۰۴۱۸	۰/۰۱۰۱	۴/۱۳۸	۰/۰۰۱
حق الزحمه خدمات غیرحسابرسی	۰/۰۰۶۱	۰/۰۰۴۱	۱/۴۸	۰/۱۴۹
اندازه شرکت	۰/۰۵۲۴	۰/۰۰۲۴	۲۱/۸۳	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۰/۰۸۶	۰/۰۱۷۱	۵/۰۲۹	۰/۰۰۰
بازده دارایی‌ها	۰/۰۳۱	۰/۰۰۲۴	۱۲/۹۱	۰/۰۰۰
ضریب تعیین	۰/۷۴		ضریب تعیین شده ۰/۷۳	
آماره دوربین واتسون	۲/۱۱	آماره F	۹۶/۱۸	احتمال آماره F ۰/۰۰۰

نتایج برازش مدل در نگاره شماره (۵) نشان می‌دهد که سطح معنی داری (احتمال آماره اف) کوچکتر از ۵ درصد است و از آنجایی که، آماره اف اعتبار کلی مدل را نشان می‌دهد در نتیجه می‌توان گفت این مدل با احتمال ۹۵ درصد معنی دار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است. ضریب تعیین تعدیل شده این مدل ۰/۷۳ است. این عدد نشان می‌دهد که ۷۳ درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای مستقل و کنترلی مذکور قابل تبیین است و از آنجایی که آماره دوربین- واتسون این مدل بین ۱/۵ و ۲/۵ است (۲/۱۱)، می‌توان گفت که در این مدل خودهمبستگی مرتبه اول وجود ندارد.

فرضیه اول تحقیق بیان می‌دارد که بین مالکیت خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی داری وجود دارد. با توجه به نتایج به دست آمده از برآورد مدل تحقیق که در نگاره شماره (۵) مشاهده می‌شود، ضریب متغیر مستقل درصد مالکیت خانوادگی که نشان‌دهنده رابطه بین مالکیت خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی می‌باشد برابر با (-۰/۰۸۱) بوده و سطح معنی داری این متغیر بیشتر از ۰/۰۵ بوده که نشان‌دهنده عدم معنی داری این متغیر می‌باشد. با توجه به سطح معنی داری به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که بین مالکیت خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی داری وجود ندارد، بنابراین فرضیه اول

تحقیق تأیید نمی‌گردد. همچنین از بین متغیرهای کنترلی، متغیرهای اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره، پیچیدگی حسابرسی، اندازه شرکت، اهرم مالی و بازده دارایی‌ها رابطه مثبت و معنی‌داری را با متغیر وابسته یعنی حق‌الزحمه حسابرسی دارند.

نتایج آزمون فرضیه دوم تحقیق

فرضیه دوم تحقیق بیان می‌کند که بین مالکیت خانوادگی و استخدام حسابرس با کیفیت تر رابطه معنی‌داری وجود دارد. در این فرضیه با توجه به اینکه برای اندازه‌گیری حسابرس با کیفیت‌تر از معیار تخصص حسابرس در صنعت استفاده گردید و چون یک متغیر دامی است، از رگرسیون لجستیک استفاده می‌گردد. رگرسیون لجستیک، شبیه رگرسیون خطی است با این تفاوت که نحوه محاسبه ضرایب در این دو روش یکسان نمی‌باشد. همچنین، در تجزیه و تحلیل رگرسیون خطی، برای آزمون برازش الگو و معنی‌دار بودن اثر هر متغیر در مدل، به‌ترتیب از آماره‌های F و t ، استفاده می‌شود، در حالی‌که در رگرسیون لجستیک، برای تعیین معنی‌دار بودن رگرسیون از آماره al آر و معنی‌داری ضریب متغیر مستقل در هر مدل از آماره Z در سطح اطمینان ۹۵ درصد و از آماره‌های ضریب تعیین مک‌فادن استفاده می‌شود. لازم به‌ذکر است که در تجزیه و تحلیل به‌وسیله رگرسیون لجستیک، پیش‌شرط‌های انجام رگرسیون خطی مانند وجود رابطه خطی بین متغیرهای مستقل و وابسته، همسانی واریانس متغیر وابسته و متغیرهای مستقل، توزیع نرمال متغیر وابسته و باقیمانده‌ها یا خطای اندازه‌گیری مدل نیاز نمی‌باشد. لیکن موضوع هم‌راستایی چندگانه در رگرسیون لجستیک نیز وجود دارد که به‌معنای عملکرد خطی هر یک از متغیرهای مستقل نسبت به یکدیگر است. برای این منظور برای هر ضریب β باید مقدار خطای استاندارد جزیی باشد. اگر هر متغیر مستقلی، دارای خطای استاندارد بالایی باشد نشان از وجود هم‌راستایی چندگانه روی آن متغیر دارد. برای بررسی معنادار بودن رگرسیون لجستیک، ابتدا فرضیه تحقیق از طریق آزمون نکویی تناسب رگرسیون لجستیک اندروز و هاسمر- لمشو مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج آزمون در نگاره شماره (۶) نشان داده شده است.

نگاره شماره ۶: نتایج آزمون نکویی برازش رگرسیون لجستیک اندروز و هاسمر-لمشو

مدل	آزمون‌ها	
۶۸/۱۹	آماره اندوز	اندروز و هاسمر
۰/۰۰۷	احتمال آماره	
۲۶/۶۲	آماره هاسمر-لمشو	لمشو
۰/۰۰۹	احتمال آماره	

با توجه به احتمال آماره به دست آمده در نگاره شماره (۶) مربوط به آزمون نکویی برازش که کمتر از ۰/۰۵ می باشد، مدل فرضیه از صحت برازش مناسبی برخوردار می باشد. به منظور بررسی مانایی متغیر وابسته در مقادیر لجستیک، از آزمون خود همبستگی نگاشت با مقادیر جزئی استفاده می شود.

نگاره شماره ۷: نتایج آزمون خود همبستگی نگاشت با مقادیر جزئی لجستیک

مراحل	AC	PAC	آماره (Stat) کیو	احتمال آماره کیو
۱	۰/۴۳۵	۰/۵۸۷	۱۵۶/۳۲	۰/۰۰۰
۲	۰/۲۳۲	-۰/۱۷۴	۱۸۰/۸۶	۰/۰۰۰
۳	۰/۱۴۵	۰/۱۳۵	۱۹۰/۴۴	۰/۰۰۰
۴	۰/۰۸۳	-۰/۰۶۱	۱۹۳/۶	۰/۰۰۰

همان طور که در نتایج آزمون کیو و احتمال آماره کیو خود همبستگی نگاشت در نگاره شماره (۷) مشخص شده است، در تمام مراحل آزمون متغیر وابسته کمتر از ۵ درصد است، لذا از مانایی لازم برخوردار است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم تحقیق در نگاره شماره (۸) قابل مشاهده می باشد.

نگاره شماره ۸: نتایج آزمون فرضیه دوم

$+ \alpha_5 \text{ Auditor Choice}_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{ FamilyOwn}_{it} + \alpha_2 \text{ Insown}_{it} + \alpha_3 \text{ Govown}_{it} + \alpha_4 \text{ Auditcomplex}_{i,t}$ $\text{Size}_{i,t} + \alpha_6 \text{ Lev}_{i,t} + \alpha_7 \text{ ROA}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$				
متغیر	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنی داری
عرض از مبدا	-۰/۱۰۷	۰/۰۲۰۹	-۵/۱۱	۰/۰۰۰
مالکیت خانوادگی	-۰/۰۹۶	۰/۰۴۱۹	-۲/۲۹	۰/۰۲۱
مالکیت نهادی	-۰/۰۲۵	۰/۰۸۹	-۰/۲۸	۰/۶۹۷
مالکیت دولتی	۰/۰۴۷	۰/۱۰۶	۰/۴۴	۰/۶۵۳
پیچیدگی حسابرس	۰/۰۶۶	۰/۰۵۸	۱/۱۳	۰/۲۵۶
اندازه شرکت	۰/۰۴۱	۰/۰۰۸	۵/۱۲	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۰/۱۰۵	۰/۰۴۸۸	۲/۱۵	۰/۰۳۰
بازده دارایی‌ها	۰/۰۱۳	۰/۰۱۹۶	۰/۶۸	۰/۵۰۹
ضریب تعیین مک فادن	۰/۴۹	آماره ال آر	۵۹/۴۲	احتمال آماره ال آر ۰/۰۰۰

همان‌طور که از نتایج تخمین مدل در نگاره فوق مشاهده می‌شود، ضریب تعیین مک فادن این مدل تقریباً ۰/۴۹ است. این عدد نشان می‌دهد که ۴۹ درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیر مستقل و کنترلی مذکور قابل تبیین است. به‌علاوه نتایج مندرج در نگاره شماره (۸) نشان می‌دهد که سطح معنی داری (احتمال آماره ال آر) کوچکتر از ۵ درصد است و از آنجایی که، آماره ال آر اعتبار کلی مدل را نشان می‌دهد در نتیجه می‌توان گفت این مدل با احتمال ۹۵ درصد معنی دار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است.

همان‌طور که در نگاره شماره (۸)، مشاهده می‌شود ضریب متغیر مستقل مالکیت خانوادگی که نشان‌دهنده رابطه بین مالکیت خانوادگی و تخصص حسابرس در صنعت است برابر با (-۰/۹۶) بوده و سطح معنی داری این متغیر کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد که نشان دهند رابطه منفی و معنی دار این متغیر با انتخاب حسابرس با کیفیت‌تر می‌باشد. بنابراین فرضیه دوم تحقیق مبنی بر رابطه بین مالکیت خانوادگی و استخدام حسابرس با کیفیت‌تر در شرکت‌های خانوادگی تأیید می‌گردد. به عبارت دیگر منفی بودن این ضریب نشان از کمتر بودن تقاضا برای انتخاب حسابرس با کیفیت‌تر در شرکت‌های خانوادگی است. همچنین از بین متغیرهای کنترلی تحقیق متغیرهای اندازه شرکت و اهرم مالی رابطه مثبت و معنی داری با متغیر وابسته دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بررسی رفتار شرکت‌های خانوادگی می‌تواند اطلاعات ارزنده‌ای را در اختیار استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی قرار دهد. در فرضیه اول بیان شد که بین مالکیت خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتیجه آزمون فرضیه تحقیق حاکی از عدم وجود رابطه معنی‌دار بین مالکیت خانوادگی و حق الزحمه حسابرسی می‌باشد. نتایج این فرضیه مغایر با نتایج تحقیق خان، بادرولی متاکین، سیددیکوی (۲۰۱۵) است. آن‌ها در تحقیق خود تأثیر ساختار مالکیت و کنترل خانوادگی بر حق الزحمه حسابرسی و انتخاب حسابرسان را مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از آن بود که شرکت‌های با مالکیت خانوادگی در مقایسه با شرکت‌های غیرخانوادگی به‌طور قابل توجهی حق الزحمه کمتری به حسابرسان پرداخت می‌کنند. نتایج تحقیق خان و سوبرامانیام (۲۰۱۲) نیز نشان داد شرکت‌های خانوادگی استرالیایی حق الزحمه حسابرسی بیشتری نسبت به شرکت‌های غیرخانوادگی می‌پردازند و مالکیت خانوادگی بالاتر با حق الزحمه حسابرسی بیشتر مرتبط است. همچنین یافته‌های تحقیق کانگ (۲۰۱۲) نشان داد شرکت‌های خانوادگی به احتمال بیشتری متحمل سطح پایین‌تری از هزینه حسابرسی نسبت به شرکت‌های غیرخانوادگی می‌شوند. جول و خان^۱ (۲۰۱۱) نیز به این نتیجه دست یافتند که شرکت‌های خانوادگی حق الزحمه حسابرسی پایین‌تری نسبت به شرکت‌های غیرخانوادگی می‌پردازند.

در فرضیه دوم تحقیق بیان شده بود که بین مالکیت خانوادگی و انتخاب حسابرسان با کیفیت‌تر رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتایج آزمون فرضیه تحقیق نشان داد، بین مالکیت خانوادگی و انتخاب حسابرسان با کیفیت‌تر رابطه معنی‌داری منفی وجود دارد. نتایج مؤید این مطلب است که شرکت‌های با مالکیت خانوادگی، حسابرسان با کیفیت کمتر را انتخاب می‌نمایند. مالکان خانوادگی معتقدند با توجه به تسلط اعضای خانواده بهتر می‌توانند بر مدیران نظارت کنند و با توجه به نظارت بهتر آن‌ها دلیلی بر استفاده از خدمات حسابرسی با کیفیت‌تر نمی‌بینند، چرا که استفاده و انتخاب حسابرسان با کیفیت‌تر برای آن‌ها حق الزحمه حسابرسی بیشتری را ایجاد می‌کند. نتایج به‌دست آمده در فرضیه دوم مؤید فرضیه منافع شخصی می‌باشد.

نتایج تحقیق همسو با تحقیق خان، بادرولی متاکین، سیددیکوی (۲۰۱۵) است. آن‌ها دریافتند شرکت‌های خانوادگی در مقایسه با شرکت‌های غیرخانوادگی حسابرسانی را انتخاب می‌نمایند که از کیفیت پایین‌تری برخوردارند. هو و کانگ (۲۰۱۳) نیز به این نتیجه دست یافتند که شرکت‌های خانوادگی تمایل دارند حسابرسان با کیفیت پایین‌تر را انتخاب نمایند. همچنین یافته‌های تحقیق

¹ Johl and Khan

نيسكانن، كارجالين و نيسكانن (۲۰۱۰) نشان داد با افزايش مالكيت خانوادگي احتمال استفاده از حسابرسان با كيفيت كاهش مي‌يابد. نتايج تحقيق مغاير با نتيجه تحقيق كانگ (۲۰۱۲) است كه دريافت شركت‌هاي خانوادگي به احتمال بيشتر حسابرسان متخصص صنعت (حسابرسان با كيفيت تر) را انتخاب مي‌كنند. با توجه به نتايج به دست آمده از فرضيه‌هاي تحقيق به سرمايه‌گذاران پيشنهاده مي‌شود، زماني كه تمايل به سرمايه‌گذاري در شركت‌هاي با مالكيت خانوادگي دارند، متغير كيفيت حسابري را مد نظر قرار دهند، چرا كه به دليل وجود مسائل ناشي از روابط خانوادگي در اين شركت‌ها، تمايل كمترى به انتخاب حسابرسان با كيفيت تر وجود دارد. همچنين به مؤسسات و سازمان حسابري پيشنهاده مي‌شود از نتايج اين پژوهش استفاده نمايند و نسبت به وجود مشكلات نمايندگي بالقوه ناشي از حضور مالكان خانوادگي در شركت توجه نموده و ارزيابي بهتري داشته باشند.

پيشنهاده‌ها براي انجام تحقيق در آينده شامل موارد زير است:

- ۱- بررسي رابطه بين انتخاب اختياري و اجباري حسابرس با حق الزحمه حسابري در شركت‌هاي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران
- ۲- بررسي تاثير مالكيت خصوصي بر رابطه بين انتخاب حسابرس و حق الزحمه حسابري در شركت‌هاي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران
- ۳- تاثير ويژگي‌هاي هيأت‌مديره شركت‌هاي با مالكيت خانوادگي و غيرخانوادگي بر رابطه بين انتخاب حسابرس و حق الزحمه حسابري در شركت‌هاي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.

منابع و مأخذ

- 1- Abdolmohammadi, M. & kvall, E. (2010), Earnings Management Priorities of Private Family Firms. *American Accounting Association Annual Meeting*, 31 July 2010, San Francisco, CA.
- 2- Abidin, S. (2006), Audit Market Concentration and Auditor Choice in the UK Department of Accounting & Finance, *University of Stirling*, Ph.D Dissertation, PP. 5-6.
- 3- Asthana, S., & Boone, I. (2012), Abnormal audit fees and audit quality, auditing, *A Journal practice & theory*, 31, 1-22.
- 4- Aghaei, M. A., & Nazemi Ardakani, M. (2001), the Industry Expertise of auditor and Discretionary Accruals, *Journal of Auditi Science*, 12 (46), 4-17. *(In Persian)*
- 5- Anderson, R.C. & Reeb, D. (2003), Founding family ownership and firm performance: Evidence from S&P500. *Journal of Finance*, 58, 1301-1328.
- 6- Ben Ali, C., & Lesage, C. (2012). Audit pricing and nature of controlling shareholder: Evidence from France, *China Journal of Accounting Research*, 6(1), 21-24.
- 7- Chi, W., & Huang, H. (2005), Discretionary accruals, audit firm tenure and audit- partne tenure: Empirical evidence form Taiwan, *Journal of contemporary accounting and economic*, 1(1), 65-92.
- 8- Chua, J. H., Chrisman, J. J., & Sharma, P. (1999), defining the family business by behavior. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 23(4), 19-39.
- 9- Darmadi, S. (2016), Ownership concentration, family control and auditor choice: Evidence from an emerging market, *Asian Review of Accounting*, 24(1).
- 10- Dey, R. M., Hoi, C. K., & Robin, A. (2011), Family firms and auditor choice: a focus on IPO firms, working paper, Rochester Institute of Technology, Rochester.

- 11- El-Ghoul, S., Guedhami, O., Lennox, C., & Pittman, J. A. (2007). Ownership structure, agency problems, and auditor choice: evidence from Western European firms, *working paper*, University of Alberta, Edmonton, August.
- 12- Jensen, M., & Meckling, W. (1976). Theory of the firm: managerial Behavior, Agency costs and ownership Structure, *Journal of financial Economics*, 3(4).
- 13- Ho, J. L., & Kang, F. (2013). Auditor choice and audit fees in family firms: evidence from the S&P 1500, *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 32(4), 71-93.
- 14- Juhl S. & Khan A. (2011), Audit Pricing in Private Firms: the Effects Of Family and Foreign Control, *School of Accounting Economics and Finance*, Deakin University, Victoria, Australia, On line, Available at: [4TUhttp://www.afaanz.org U4T](http://www.afaanz.org U4T).
- 15- Kang, F. (2012), Industry Specialist Auditors and Audit Fees in Family Firms: Evidence from the S&P 1500, *University of California*, and Irvine.
- 16- Khan, A., Badrul Muttakin, M., & Siddiqui, J. (2015). Audit fees, auditor choice and stakeholder influence: Evidence from a family- firm dominated economy. *The British Accounting Review*, 47(3), 304-320.
- 17- Khan A. & Subramaniam N. (2012), Family firm, audit fee and auditor choice: Australian evidence, *Financial Markets & Corporate Governance Conference*, On line, Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1985776>.
- 18- Lin, Z. J. & Liu, M. (2009), the impact of corporate governance on auditor choice: evidence from China, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 18 (1), 44-59.
- 19- Liu, L., & Subramaniam, N. (2010), Government Ownership and audit pricing: Evidence from China. *Journal of Accounting and Public Policy*, 32(2), 161-175.
- 20- Malekian, E., & Nikravan Fard, B. (2015), the Impact of Institutional and Governmental Ownership on Audit Fees. *Journal of Accounting Advances*, 7(1), 139-166. *(In Persian)*

- 20- Mitra, S., Hossain, M., & Deis, D. R. (2007), the empirical relationship between ownership characteristics and audit fees, *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 28(3), 257-285.
- 21- Mayhew, B., & Wilkins, M. (2003). Audit firm industry specialization as a differentiation strategy: Evidence from fees charged to firms going public Auditing, *A Journal of Practice & Theory*, 22(2), 33-52.
- 22- Neal, T. L., & Riley, R. R. (2001), Audit specialist designations: measurement considerations working paper, *University of Kentucky*.
- 23- Niskanen, M., Karjalainen, J., & Niskanen, J. (2010), the role of auditing in small, private family firms: is it about quality and credibility? *Family Business Review*, 23(3), 230-245.
- 24- Rahman Khan, A., Hossain, D. M., & Siddiqui, J. (2011), Corporate Ownership concentration and audit fees: The case of an emerging economy. *Advances in Accounting*, 27 (1), 125-131.
- 25- Reed, R., Donohue, W. J., & Barnes, S. F. (2004), Predicting misleading disclosures: the effects of control, pressure, and compensation, *Journal of Managerial Issues*, 16 (3), 322-336.
- 26- Steijvers, T., Voordeckers, W., & Vanhoof, K. (2010), Collateral, relationship lending and family firms, *Small Business Economics*, 34 (3), 243-259.
- 27- Wang, D. (2006), Founding Family Ownership and Earning Quality. *Journal of Accounting Research*, 44, 619-656.